



به خدا وام دهیم! بررسی ماهیت قرض الحسنه و آثار مادی و معنوی آن

پدیدآورنده (ها): حسینی، منصور

میان رشته ای :: نشریه مکاتبه و اندیشه :: زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۵۰

صفحات: از ۴۶ تا ۵۸

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1284429>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تاریخ ری و شخصیت حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع)
- مقایسه نهاد سبگردانی در معاملات بورس سهام با عقد عاریه
- علم قاضی (۲)
- مبانی فقهی سند و سوگند و تعارض آنها با علم قاضی عاریه
- جایگاه علم قاضی در ادله اثبات الکترونیک در نظام دادرسی کیفری
- دشت تهران در دوران اسلامی
- رهن مستعار
- تبیین جایگاه علم قاضی و اسناد در دادرسی مدنی بر مبنای ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی
- پژوهشی در آیین دخمه گذاری زرتشتیان با تکیه بر مطالعه ساختار معماری دخمه های زرتشتی
- طرح دعوا توسط امین بر علیه قاهر (تأملی در ماده ۶۲۱ قانون مدنی)
- علم قاضی و اصل تناظر

عناوین مشابه

- گزارش کارشناسی درباره لایحه: بخشودگی کلیه مطالبات دولت موضوع لایحه قانونی راجع به اعطای سی میلیارد ریال وام بدون بهره به صندوق های قرض الحسنه جهت توسعه فعالیت های کشاورزی و صنعتی و خدماتی (مصوب ۱۳۵۸) شورای انقلاب و اصلاحیه بعدی آن (مصوب ۱۳۵۹)
- درد عطار (نگاهی به درد و چشم اندازه های لفظی و معنوی آن در آثار عطار نیشابوری)
- تحلیل معنا شناختی «توجه به علم خدا و آثار آن در رفتار انسان» از دیدگاه آیات و روایات
- تدوین برنامه مداخله ای مبتنی بر دل بستگی به خدا و بررسی اثربخشی آن بر طرحواره های ناکارآمد معنوی و بهزیستی معنوی
- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن
- تعرض به «تمامیت معنوی شخصیت» و رابطه آن با «تعرض به تمامیت مادی شخصیت» و «تعرضات مالی»
- اختصاص ۵۰ میلیارد ریال وام قرض الحسنه به متقاضیان استان کهگیلویه و بویر احمد
- ماهیت و آثار قرارداد ما به التفاوت در حقوق و تطبیق آن بر فقه
- نگاه ابزاری نظام اداری به بازنشستگان و اثرات آن بر فرهنگ سیاسی و سلامت معنوی آنان؛ موردپژوهی
- قانون منع به کارگیری بازنشستگان
- بررسی ماهیت مهریه از منظر فقهای مذاهب خمس و رویکرد امام خمینی (ره) به آن

به خدا وام دهیم!

بررسی ماهیت قرض الحسنه و آثار مادی و معنوی آن

منصور حسینی

وام بی بهره و غیر ربوی، یکی از اعمال مستحب اسلام است که از آن به قرض الحسنه (وام نیکو) یاد می‌شود؛ چرا که آثار و برکات آن بر فرد و جامعه، چنان است که خداوند آن را در ردیف دو واجب اصلی اسلام یعنی نماز و زکات مطرح کرده و خواهان عمل به این رفتار اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی از سوی مومنان شده و بدان تشویق و ترغیب می‌کند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های وحیانی اسلام، گوشه‌هایی از آثار مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی قرض الحسنه را بیان کرده است.

چیستی و ماهیت قرض الحسنه از نظر فقهی و حقوقی

قرض که در فارسی به معنای وام است؛ یک رفتار اقتصادی است که می‌تواند به دو شکل انجام گیرد. گاه وام‌دهنده افزون بر اصل وامی که پرداخته، مبلغ یا چیزی را طلب می‌کند که به آن قرض ربوی می‌گویند؛ و گاه دیگر، وام‌دهنده چیزی را مطالبه نمی‌کند و تنها اصل مال خویش را بازپس می‌گیرد. در فرهنگ‌های لغت عربی، قرض به معنای اعطای بخشی از مال دانسته شده است، به صورتی که قرض‌دهنده آن را بازپس گیرد.^(۱)

در اصطلاح فقه اسلامی، قرض، تملیک مال به دیگری با ضمانت است به اینکه بر عهده وام‌گیرنده بازگرداندن مال باشد، اعم از اینکه عین یا مثل و یا قیمت آن باشد.^(۲)

قرض یک نوع معامله میان دو طرف است. در عقد قرارداد قرض که بهتر است نوشته شود،^(۳) اگر قید شود که تنها اصل مال بازگردانده شود، همان قرض‌الحسنه و عملی بسیار پسندیده و نیکو است؛ ولی اگر در بازپس‌گیری قرض، همراه با اصل قرض، مالی دیگر یا چیزی به آن افزوده شود، قرض ربوی و از نظر احکام اسلامی حرام است.^(۴)

مقصود ما از قرض‌الحسنه به معنای عقد قرارداد با انسان محتاج و نیازمندی است که وام را به شرط پس دادن می‌گیرد. ناگفته نماند که رابطه «دین» با قرض‌الحسنه، رابطه عموم و خصوص است؛ چرا که دین، مالی است کلی که در ذمه فرد ثابت می‌شود، چه به وسیله اقتراض باشد و یا قرار گرفتن مبیع در بیع سلم یا ثمن در نسیه یا اجرت در اجاره یا صدق در نکاح و غیر آن؛ ولی قرض، ثابت شدن مال کلی در ذمه است فقط به صورت اقتراض.^(۵)

خداوند، ضامن قرض‌الحسنه

خداوند به سبب اهمیت قرض‌الحسنه در زندگی مردمان، با بیان پاداش‌هایی چون پاداش نامحدود و غیر قابل شمارش^(۶) و جلب شکر و سپاس و حلم الهی به سوی خود^(۷) بر آن است تا مردم به این عمل اقتصادی و کمک و دستگیری به نیازمندان واقعی و حقیقی تشویق شوند.

از آنجایی که قرض دادن به معنای معامله‌ای است که مال وام‌دهنده از ملکیت او خارج و به تملک وام‌گیرنده درمی‌آید، شخص وام‌دهنده، برای



تأمین بازپس‌گیری مال خویش، ضامن می‌خواهد و یا گرو و رهنی طلب می‌کند، اما در قرض‌الحسنه که شخص تنها برای رضایت و خشنودی خداوند، اقدام به اخراج مال خود از ملک خویش می‌کند و آن را به تملیک دیگری در می‌آورد، خود خداوند ضامن می‌شود.

البته چنان‌که گفته شد، زمانی خداوند قرض‌الحسنه را ضمانت می‌کند که شخص با اخلاص و بدون هیچ‌گونه قصد و غرض نفسانی و دنیایی و مادی قرض‌الحسنه را پرداخت نماید؛ چرا که در این صورت، وام‌گیرنده، شخص ظاهری وام نیست، بلکه شخص گیرنده خود خداوند است که وام را می‌گیرد و به دست وام‌گیرنده می‌دهد. از این رو، کسی که وام گرفته است خود خداوند است. پس خداوند متعهد و ملتزم به پرداخت وام است.^(۸)

در روایات چندی این معنا مورد تأکید قرار گرفته که نیازمند واقعی و محتاج حقیقی، ترس و واهمه‌ای در بازپس دادن قرض‌الحسنه نداشته باشد؛ چرا که خداوند خود ضامن است و آن را پرداخت می‌کند. پیامبر ﷺ درباره ضمانت قرض‌الحسنه از سوی خداوند می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الدَّائِنِ حَتَّى يَقْضِيَ دَيْنَهُ مَا لَمْ يَكُنْ دَيْنَهُ فِيمَا يَكْرَهُ اللَّهُ؛** خداوند یار قرض‌دار است تا قرض خود را بپردازد به شرط آنکه قرض وی بر خلاف رضای خدا نباشد.^(۹)

آن حضرت باز می‌فرماید: **مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يَرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَى اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ أَخَذَهَا يَرِيدُ إِتْلَافَهَا أَتْلَفَهُ اللَّهُ؛** هر کس اموال مردم را بگیرد و قصد پرداخت آن را داشته باشد خداوند آن را بپردازد (او را یاری می‌کند) و هر کس اموال مردم را بگیرد و قصد تلف کردن داشته باشد خداوند آن را تلف کند.^(۱۰)

رسول اکرم ﷺ خود ضامن کسی است که با اخلاص می‌خواهد قرض الحسنه خود را بپردازد. آن حضرت می‌فرماید: الدین دینان؛ فمن مات و هو ینوی قضاء فانما ولیه و من مات و لاینوی قضاء فذاک الذی یؤخذ من حسناته لیس یومیذ دیناراً و لادرهماً؛ قرض بر دو نوع است: هر کس از دنیا برود و قصد داشته باشد که قرض خود را بپردازد من سرپرست او خواهم بود و هر کس از دنیا برود و قصد داشته باشد که قرض خود را نپردازد، در مقابل آن از اعمال نیک او برمی‌دارند، زیرا در آن روز دینار و درهمی نیست. (۱۱)

امام صادق علیه السلام با توجه به اینکه قرض‌گیرنده و ضامن پرداخت آن خداوند است، در برخی از امور خاص و ضروری زندگی قرض الحسنه گرفتن را تجویز کرده و می‌فرماید که وام‌گیرنده ترس و اندوهی در باره باز پرداخت وام خود نداشته باشد که خداوند آن را می‌پردازد؛ چنان که رزق هر روزه او را ضامن است و می‌پردازد. امام علیه السلام می‌فرماید: عن ابی موسی، قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: جعلت فداک یستقرض الرجل و یحج؟ قال: نعم، قلت: یستقرض و یتزوج؟ قال: نعم، إنه ینتظر رزق الله غدوه و عشیه؛ ابو موسی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آیا مرد، می‌تواند قرض بگیرد و حج برود؟ فرمودند: بله، عرض کردم: آیا می‌تواند قرض بگیرد و ازدواج کند؟ فرمودند: بله، قرض کند و ازدواج نماید و شب و روز منتظر روزی خدا باشد. (۱۲)

در اهمیت و ارزش قرض الحسنه همین بس که انسان با این کار خود، فرمان خداوندی را در تعاون و مشارکت در کارهای خیر به جا می‌آورد (۱۳) و دست‌های نیازمند و محتاجی را رد نمی‌کند و با این کار حقی از حقوق



مومنان بر خود را ادا می‌کند؛ چرا که در هر مالی، حقوقی برای دو گروه سائلان و نیازمندان (محرومان) بر شخص دارنده مال است.^(۱۴)

همچنین، در ارزش این کار باید به این نکته توجه کرد که وام‌گیرنده، زمانی دست نیاز به سوی دیگری دراز می‌کند که نیازمند است و آبروی خویش را عرضه می‌دارد تا مالی قرض گیرد و به زخم خود بزند و بعد آن را پس دهد.

نقش قرض‌الحسنه در زندگی انسان‌های سالم و مؤمن بسیار سازنده و مفید است؛ چرا که با تقویت وضعیت اقتصادی و بهبودی آن، عامل قوام فرد و جامعه می‌شود^(۱۵) و شخص را به کار و تلاش و تولید سوق می‌دهد. از این رو در روایات، ثواب قرض دادن بیش از صدقه دادن و انفاق دانسته شده است، چرا که گاه انسان صدقه به کسی می‌دهد که او نیازی ندارد؛ هم چنین قرض‌گیرنده با توجه به تعهدی که می‌سپارد بر آن است تا با تولید و تلاش خود، وام خود را پس دهد و این عمل قرض در گردش سالم اقتصاد و جریان مفید و سازنده پول و مال تاثیرگذار است. البته حکمت‌های دیگری را می‌توان برای این قرض برشمرد که در صدقه و انفاقات مستحب نیست.

پیامبر ﷺ در بیان ارزش‌گذاری اعمال مومنان، قرض را با ارزش‌تر می‌داند و می‌فرماید: *الصدقة بعشیره و القرض بثمانیه عشر و صله الاخوان بعشرین و صله الرحم باربعة و عشرين*؛ صدقه دادن، ده حسنه؛ قرض دادن، هجده حسنه؛ رابطه با برادران دینی، بیست حسنه؛ و صله رحم، بیست و چهار حسنه دارد.^(۱۶)

امام صادق ﷺ نیز قرض دادن را بهتر از صدقه دادن می‌داند و می‌فرماید: *لِإِنْ اقْرَضَ قَرْضًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصِلَ بِمِثْلِهِ*؛ مالی را قرض بدهم، بیشتر دوست دارم تا آن را ببخشم.^(۱۷)

پاداش‌های مادی و معنوی قرض‌الحسنه

در آیات و روایات، پاداش‌ها بسیاری برای قرض‌الحسنه برشمرده شده است. این پاداش‌ها مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی است. مهم‌ترین پاداش قرض‌الحسنه در همان اصل قرض دادن نهفته، زیرا شخص وام‌دهنده با خداوند معامله می‌کند و کسی که قرض می‌گیرد در حقیقت خداوند است.^(۱۸)

دیگر آن که خداوند خود ضمانت بازپس دادن وام را کرده و بی‌گمان خداوند شاکر و سپاسگزار است^(۱۹) و با برکت قرار دادن در مال شخص، او را بی‌نیاز خواهد کرد و به فضل خود بر مال او می‌افزاید. از این رو در بیان سود و پاداش حاصل از قرض دادن به نیازمندان و محتاجان می‌فرماید که خداوند پاداش نامحدود و بی‌شماری را در نظر گرفته است.^(۲۰)

خداوند در این آیات از پاداش و اجرت کریمانه خود سخن می‌گوید؛ بنابراین می‌بایست پاداشی عظیم و نیکو و بزرگوارانه‌ای باشد که خداوند برای وام‌دهنده در نظر گرفته است. این پاداش‌ها تنها اختصاص به دنیا ندارد بلکه در دنیا و آخرت و نیز مادی و معنوی خواهد بود.^(۲۱)

از آثار و برکات اجتماعی و کارکردهای دنیوی قرض‌الحسنه می‌توان به ایجاد محبت بین مردم و تحقق انسجام و وحدت اسلامی اشاره کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ثلاثٌ تورثُ المحبّه: الدّین و التّواضع و البذل؛ سه چیز است که محبت آورد: قرض دادن و فروتنی و بخشش.^(۲۲)

از جمله آثار قرض‌الحسنه می‌توان به محو سیئات و تبدیل آن به حسنات اشاره کرد.^(۲۳) بنابراین، وام‌دهنده با این کار خویش، گویی تازه از مادر متولد شده و نقش کار او همانند توبه، تأثیرگذار است و مشکلاتی که به سبب گناه



گرفتار آن است برطرف می‌شود. پس می‌توان گفت که وام دادن، موجب جلب منفعت و دفع و رفع بلا و گرفتاری نیز است.

خداوند در آیه ۱۲ سوره مائده از جمله پاداش‌های بزرگ قرض‌الحسنه را دستیابی به فوز عظیم و کامیابی در بهشت جاودان دانسته است. پس می‌بایست این عمل را از اعمال صالح و نیکی دانست که تضمین‌کننده بهشت برای آدمی است.

آداب قرض‌الحسنه

در آیات و روایات، آدابی برای قرض‌الحسنه بیان شده که باید از سوی دهنده و گیرنده آن مراعات شود. از جمله اینکه قرض دهنده مراعات آبرو و قرض گیرنده را بکند. از این رو خداوند گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض‌الحسنه را از کارهای پسندیده و شایسته شمرده است.^(۲۴)

یکی از آداب قرض‌الحسنه نوشتن آن است که از سوی گیرنده و دهنده وام انجام می‌شود یا کسی که دارای سواد نوشتن است برای این کار به خدمت می‌گیرند و شخص نویسنده نمی‌بایست از نوشتن امتناع کند و حتی پولی را برای نوشتن خود بخواهد.^(۲۵) حتی برخی نوشتن را برای نویسنده واجب دانسته‌اند.^(۲۶)

مهلت دادن به قرض گیرنده از آداب و احکام قرض است. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: *من أقرض ملهوفاً فأحسن طلبته استأنف العمل و أعطاه الله بكلِّ درهمٍ ألفَ قنطارٍ مِنَ الجنةِ*؛ هر کس به گرفتار و درمانده ای قرض بدهد و در پس گرفتن آن خوشرفتاری کند (گناهانش پاک شده و) اعمالش را دوباره شروع می‌کند و خداوند در برابر هر درهم، هزار قنطار (ثروتی فراوان) در بهشت به او عطا کند.^(۲۷)

پیامبر ﷺ هم چنین مهلت دادن به معسر و تنگدست را تشویق کرده و می‌فرماید: همانطور که برای آن کسی که از تو قرض گرفته جایز نیست که اداء آن را به تأخیر بیندازد، پس برای تو هم جایز نخواهد بود که با این که می‌دانی او تنگدست است از او مطالبه کنی.^(۲۸)

مهلت دادن به تنگدست در پرداخت قرض، از عوامل استجاب دعا و رهایی از گرفتاری و اندوه است. پیامبر ﷺ درباره نقش امهال به معسر در زندگی مادی و دنیوی انسان می‌فرماید: *من أراد تستجاب دعوته وأن تکشف کربته فلیفترج عن معسر؛ هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب و اندوهش برطرف شود، به تنگدست مهلت دهد.*^(۲۹)

لازم است قرض گیرنده همواره در اندیشه ادای قرض خود باشد و از خداوند بخواهد تا شرایط ادای قرض را برای او فراهم آورد و او نیز با کار و کوشش برای تحقق این نیت خود گام بردارد. از نظر امام رضا علیه السلام کسی که نخواهد وامش را پس دهد یا تلاشی نمی‌کند، در حکم سارق و دزد است. آن حضرت می‌فرماید: *إعلم أن من استدان دینا ونوی قضاءه، فهو فی أمان الله حتی یقضیه، فإن لم ینو قضاءه فهو سارق؛ کسی که قرض بگیرد در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس دهد در امان خداست تا آن را اداء کند ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند، دزد محسوب می‌شود.*^(۳۰)

هر چند که در قرض‌الحسنه هر گونه شرط برای بازپرداخت چیزی یا مالی بیش از مقدار قرض جایز نیست؛ ولی از اعمال مستحب این است که قرض گیرنده، مالی یا چیزی را بیش از اندازه قرض در هنگام بازپس دادن بدهد. امام صادق علیه السلام در آداب قرض‌الحسنه می‌فرماید: *فإن اعطاه أكثر مما*



اخذَه مِنْ شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ مَبَاحٌ لَهُ، وَ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ ثَوَابٌ فِيمَا اقْرَضَهُ؛ اِذَا قَرَضَ قَرْضًا غَيْرَ نَهْدٍ بِلَا شَرْطٍ قَبْلِي، سَوَدِي بِه قَرْضَ دَهْنَدَه بَدَهْد مَبَاح اسْت، وَلِي اَنْ قَرْضَ دَهْنَدَه پاداشی از خدا نخواهد گرفت.^(۳۱)

اما اگر با شرط بخواهد چیزی افزون بر اصل به او برگردانده شود. این همان ربای حرام و گناه است نه قرض الحسنه؛ هر چند که به نام قرض الحسنه داده و گرفته شود. علی بن جعفر می گوید: از برادر امام کاظم علیه السلام در مورد مردی که صد درهم قرض به دیگری داد به این شرط که پنج درهم یا کمتر یا بیشتر (از قرض) به او بدهد پرسیدم. فرمودند: این عمل ربای محض است.^(۳۲)

برای گرفتن قرض الحسنه نباید سراغ هر کسی رفت و آبروی خود را هزینه کرد؛ بلکه باید نزد کسانی برویم که احتمال پاسخی گویی مثبت از آنان می رود. از این رو امام حسین علیه السلام پیشنهاد و سفارش می کند که نزد افراد خاصی از جامعه برویم که احتمال پاسخی گرفتن مثبت از آنان بسیار بالاست. آن حضرت علیه السلام می فرماید: لا ترفع حاجتك إلّا إلی أحدٍ ثلاثه: إلی ذی دینٍ أو مروءٍ أو حسبٍ؛ جز به نزد یکی از این سه کس حاجت مبر: دیندار یا صاحب مروءت یا دارای اصالت خانوادگی.^(۳۳)

قناعت، بهتر از قرض گرفتن

البته قرض گرفتن در صورت نیاز خوب است، ولی هیچ چیز بهتر از قناعت و حفظ آبرو و صبر نیست که خداوند درهای رحمت بیکران خود را به سوی او باز می کند و او را از فضل خویش بهره مند می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: اقل من الدین تعش حراً؛ قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.^(۳۴)

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: اِیَاکُمْ وَ الدِّینَ فَاِنَّهُ مَذْلُومٌ بِالنَّهَارِ، وَ مَهْمَةٌ بِاللَّیْلِ وَ قِضَاءٌ فِی الدُّنْیَا وَ قِضَاءٌ فِی الْآخِرَةِ؛ زیر بار بدهی نروید زیرا بدهکاری، خواری روز و اندوه شب است و در دنیا و آخرت باز پرداختی دارد. (۳۵)

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: کَثْرَةُ الدِّینِ تَصِیْرُ الصَّادِقِ کَاذِبًا وَ الْمُنْجِزُ مَخْلُفًا؛ بدهی بسیار، راستگو را دروغگو و خوش قول را بدقول می‌کند. (۳۶)

از نظر آن حضرت علیه السلام وام گرفتن، چیزی در حد بردگی است و باید تا می‌توان از آن پرهیز کرد: الدِّینُ رِقٌّ فَلَآ تَبْذُلْ رِقَّکَ لِمَنْ لَا یَعْرِفُ حَقَّکَ؛ بدهی (نوعی) بندگی است، پس زمام اختیار خود را به کسی که حق تو را نمی‌شناسد مسپار (کنایه از این است که از هر کس قرض نگیر). (۳۷)

آثار ترک قرض الحسنه

چنان که گفته شد، قرض الحسنه در زندگی فردی و اجتماعی، چنان نقش اساسی و کلیدی دارد که خداوند این مستحب را در کار و اجباتی چون نماز و روزه بیان کرده و بر انجام آن فرمان داده است. (۳۸) بنابراین، ترک آن نه تنها موجب ناخشنودی خداوند و عدم برکت در زندگی شخص می‌شود، بلکه آثار و تبعات دیگری دارد که در آیات و روایات بیان شده است.

خداوند در آیاتی، ترک قرض الحسنه از سوی افراد جامعه را بسیار زشت و گناه بر می‌شمارد و تارکان آن را لعنت می‌کند. افزون بر اینکه ترک این عمل صالح و نیک، موجب بیمار دلی شخص و جامعه می‌شود و انسان‌ها را قسی القلب می‌سازد. خداوند در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مائده ترک قرض الحسنه از سوی بنی اسرائیل را از اسباب ابتلای آنان به لعنت الهی و



قساوت قلب دانسته است و به مومنان هشدار می‌دهد که این گونه عمل نکنند تا ایشان نیز گرفتار لعن الهی شده و سنگدل گردند.

اگر قرض‌الحسنه دادن، تضمین‌کننده ورود انسان به بهشت است، ترک آن نیز موجب محرومیت است؛ به ویژه آنکه تارک آن را خداوند لعن کرده است و بی‌گمان ملعون، از خدا و بهشت او دور خواهد بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همین باره می‌فرماید: **مِنْ اِحْتِاجِ اِلَيْهِ اُخُوهُ الْمُسْلِمِ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ**؛ کسی که برادر مسلمانش در قرضی به او نیاز پیدا کند و او بتواند قرض بدهد و چنین نکند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند. (۳۹)

از نظر قرآن، جامعه‌ای که تارک قرض‌الحسنه باشد، از جاده حق و اعتدال خارج می‌شود و به افراط و تفریط گرفتار می‌شود و سلامت خود را از دست می‌دهد. (۴۰)

امام علی عَلِيٌّ به ثروتمندان و دارندگان مال هشدار می‌دهد که درخواست قرض دیگران را نادیده نگیرند؛ چرا که زمانه بسیار متغیر است و اگر امروز دارا هستی فردا ممکن است ندار باشی و نیازمند قرض؛ پس امروز قرض بده تا فردا به تو وام دهند: **وَ اِغْتَنِمْ مِنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قِضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عَسْرَتِكَ**؛ غنیمت بدان کسی را که در زمان توانگری‌ات از تو قرض بخواهد تا در روز تنگدستی‌ات (قیامت) بپردازد. (۴۱)

پی‌نوشت‌ها:

۱. الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۰۲ «قرض»؛ تاج العروس، ج ۱۰، ص ۱۳۷

۲. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۵۹۹

۳. بقره، آیه ۲۸۲؛ مجمع‌البیان، ج ۱ - ۲، ص ۶۸۱

۴. بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰؛ نساء، آیه ۱۶۱؛ روم، آیه ۳۹
۵. تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۵۹۵
۶. بقره، آیه ۲۴۵؛ مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۶۰۷ - ۶۰۸
۷. تغابن، آیه ۱۷
۸. بقره، آیه ۲۴۵؛ مائده، آیه ۱۲؛ حدید، آیه ۱۱؛ مزمل، آیه ۲۰؛ و نیز زبده البیان، ص

۵۷۲

۹. نهج الفصاحه، ح ۷۳۳
۱۰. همان، ح ۲۹۷۹
۱۱. همان، ح ۱۶۰۹
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۲ ح ۱
۱۳. مائده، آیه ۲
۱۴. ذاریات، آیه ۱۹؛ معارج، آیات ۲۴ و ۲۵
۱۵. نساء، آیه ۵
۱۶. کافی، ج ۴، ص ۱۰، ح ۳
۱۷. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۹، ح ۵
۱۸. بقره، آیه ۲۴۵؛ مائده، آیه ۱۲
۱۹. تغابن، آیه ۱۷
۲۰. بقره، آیه ۲۴۵؛ حدید، آیات ۱۱ و ۱۸
۲۱. همان آیات
۲۲. تحف العقول، ص ۳۱۶
۲۳. مائده، آیه ۱۲
۲۴. نساء، آیه ۱۱۴؛ و نیز تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸
۲۵. بقره، آیه ۲۸۲
۲۶. مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۶۸۲
۲۷. ثواب الاعمال، ص ۲۸۹
۲۸. ثواب الاعمال، ص ۱۳۸
۲۹. کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۵، ح ۱۵۳۹۸
۳۰. فقه الرضا، ص ۲۶۸



۳۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۵۷، ح ۱
۳۲. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۸، ح ۷
۳۳. میزان الحکمه، ح ۴۴۸۸
۳۴. نهج الفصاحه، ح ۴۳۲
۳۵. کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۱۱
۳۶. غررالحکم، ج ۴، ص ۵۹۲، ح ۷۱۰۵
۳۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۶، ح ۵۰۳
۳۸. مزمل، آیه ۲۰
۳۹. امالی صدوق، ص ۵۱۶
۴۰. همان
۴۱. نهج البلاغه، از نامه ۳۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی